

## شهيد احمد خوشرو



ازتباير علی  
سمايه جامع سرداران و دوازه شهيد استان بوشهر

نام پدر	عالی
تاریخ تولد	۱۳۴۱/۰۳/۰۱
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۲/۰۹/۱۹
محل شهادت	مهران
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	سرباز زمینی ارتش
شغل	—
تحصیلات	دیپلم
مدفن	بنداروز

## زندگینامه

شهید<sup>۱</sup> با شهادت خود درس حریت و آزادگی، ایثار، فداکاری، شهامت و شجاعت را به ما آموختند و با نثار خون خود به ما یاد دادند که در خدمت انقلاب اسلامی بودن و مکتب را زنده نگهداشتن باید همچون امام حسین (ع) و یارانش از همه چیز گذشت. شهید احمد خوشرو از همان ایثار گرانی است که با ایثار و فداکاری جان خود را فدای اسلام عزیز نمود او سال ۱۳۴۱ در روستای بنداروز از توابع دشتستان بدنیا آمد شش ساله بود که همان جا بمدرسه رفت و دوره ابتدایی را در زادگاهش بانجام رساند لکن بعلت محرومیت و فقر یک سال ترک تحصیل کرد و سال بعد در یکی از مدارس راهنمایی برازجان ثبت نام نمود و به تحصیل ادامه داد. انقلاب اسلامی که برهبری امام در گرفت او نیز در بخش اعلامیه امام کوشش فراوان می نمود. شهید خوشرو به اخلاق و رفتاری برخوردار بود که یکبار هم دوستان و همسایگان از وی نگران نشدند و هر کار نیکی که از دستش برمی آمد بریا آنان انجام می داد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به اخذ دیپلم نائل گردید و در تاریخ ۱۵/۱۰/۶۲ جهت خدمت نظام به سربازی رفت و پس از دوره آموزشی در پادگان کرمان به جبهه گیلان غرب رهسپار شد و تا قبل از شهادت در جبهه های مهران، کانی سر، شوروشیرین و گیلان غرب علیه بعثیون متجاوز به مبارزه و نبرد ادامه داد. او قبل از شهادتش اظهار می داشت که من شهید می شوم و در آخرین مرخصی که آمده بود به زیارت شهید<sup>۱</sup> رفته و جای قبرش را به دوستان نشان داده بود. این شهید گلگون کفن چون آرزوی لقاالله حق تعالی را داشت ۲۰ روز به پایان خدمتش نمانده بود که ندای هل من ی نصر نی حسین را لبیک گفت و در تاریخ ۲۵/۹/۶۲ در جبهه ایلام به فیض شهادت نائل آمد و به خیل شهید<sup>۱</sup> اسلام پیوست.

## مصاحبه

من ستاره غریبی مادر شهید احمد خوشرو هستم. در ارتباط با خصوصیات اخلاقی فرزندم باید بگویم که او فردی با تقوا بود همیشه در انجام کارها به دیگران کمک می کرد. ایشان کتابهای مذهبی را مطالعه می نمود در بجا آوردن نماز اول وقت تأکید فراوانی داشت به همسایه ها و دوستان کمک فراوانی می کرد ایشان بدون گرفتن دستمزد برای دیگران کار بنایی می کرد و سعی و تلاش فراوانی در کمک رساندن به دیگران داشت. همه اهالی روستا از شهید راضی بودند دوران تحصیل ابتدایی خویش را در مدرسه حافظ بنداروز و دوران راهنمایی را در مدرسه مساوات برازجان و دوران دبیرستان را در مدرسه ۲۵ شهریور (سابق) برازجان با موفقیت طی کرد.

قبل از تولد فرزندانم یک نفر عالم به من گفت که خداوند به شما فرزندان پسری می دهد که نام غولی را خداکرم می گذاری و پسر دوم را احمد نام می نهی و اما احمد به شهادت می رسد که بعد از به دنیا آمدن فرزندانم نام فرزند اولم را خداکرم و نام فرزند دومم را احمد گذاشتم و احمد هم همانطور که آن عالم گفته بود به شهادت نائل آمد.

یک روز احمد به همراه پدر و عمویش به گلزار شهدای بنداروز می رود در آن جا رو به پدر و عمویش می کند و می گوید: من به جبهه می روم و بعد از سه روز به شهادت می رسم و ضمناً قبر من سومین قبر شهید در این قطعه شهدا خواهد بود. دقیقاً این اتفاق هم افتاد.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران